

مفهوم کلیدی تقوا

یکی از موضوعات اصلی در باب تقوا این است که بتوانیم مفهوم آن را به‌درستی درک کنیم. زیاد درست‌نشناختن منظور این کلمه و تعریف تقوا می‌تواند انحراف ایجاد واز رسیدن ما به مقصود تقوا جلوگیری کند.

«تقوی» در لغت از ریشه «وقایه» به‌معنی نگهداری است که «تقیه» هم از همین ماده است، زیرا نوعی نگهداری و حفظ نیروهاست. تقوا را به خویشتن داری، خودنگهداری، خویشتن بانی و پرهیز از گناه و پرواداشتن تفسیر کرده‌اند، ولی به‌نظر می‌رسد بهترین تفسیر و در واقع مترادف تقوا، پرواداشتن است و بقیه تفاسیر و معانی، تفسیر به لازمه آن است («اخلاق اسلامی در نهج البلاغه»، مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۱). تقوا نیرویی بازدارنده و به‌صورت یک ملکه نفسانی و نیروی درونی است. در وجود انسان به‌وجود می‌آید و او را برابر طغیان شهوات و ارتکاب کارهای خلاف حفظ می‌کند. کمال تقوا آن است که علاوه بر دوری از گناهان و محرمات، از مشتبهات نیز اجتناب شود.

رهبر معظم انقلاب در بیانی درباره مفهوم تقوا می‌فرماید: تقوا یعنی چه؟ تقوا آن‌طوری که در ترجمه‌ها رایج شده که درست هم هست، یعنی «پروا کردن»، یاد ر تعبیرات معمولی ماها «ملاحظه کردن»، مثلاً می‌گویند فلانی ملاحظه‌فلانی را دارد، یا شما ملاحظه فلان فرد را دارید، پروا یعنی این: پروا کردن، ملاحظه کردن، معنای تقواست.

اتقوا... یعنی ملاحظه خدا را بکنید، پروا داشته باشید از خدای متعال. یک خط مستقیمی به شما نشان داده است در این حرکت عظیم حیات بشری که مخوف به مشکلات است. فرض کنید مثل زمینی که این گوشه و آن گوشه‌اش مین وجود دارد که یک‌راهی را باز می‌کنند، می‌گویند این راه، راه سلامت است، راه امنیت است، از اینجا بروید، صراط مستقیم این است. ملاحظه خدا اتقوا... یعنی حواستان باشد از این راه منحرف نشوید، کج و راست نشوید که گرفتار خواهید شد، مشکل برایتان درست می‌شود (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸). اما گاهی هم درک نادرست از این مفهوم مهم موجب انحرافاتنی در مشی و سلوک عبادی واجتماعی افراد شده است.

کلمه تقوا در فارسی به پرهیزکاری ترجمه شده است که ممکن است این ترجمه، ترجمه درستی نباشد، زیرا این ترجمه باعث شده است در مسیر تقوا یک سلسله از توهمات و اشتباهات به وجود بیاید. افراد فکر می‌کنند تقوا عبارت است از خودداری و اجتناب و کاری انجام‌ندان و همین باعث می‌شود بعضی در مسیر رکود و ایستایی در زندگی قرار بگیرند، کارها را انجام ندهند و منشأ یک حالت وسواس برای افراد باشد که در مقابل هر کار و حرکتی دچار شک و تردید بشوند و آن کار را انجام ندهند.

در بین ما و در گذشته هم بوده است که افراد ارزشمندی از اندیشمندان و علما، به دلیل برداشت غلط از تقوا که فکر می‌کردند صرفاً انجام‌ندان و کار نکردن است، دچار رکود و ایستایی می‌شدند، درحالی‌که سرمایه حرکت در آن‌ها وجود داشته است. آنچه قرآن به ما می‌آموزد این نیست.

ذات مقدس پروردگار می‌فرماید: ان المتقین فی جنات وعبون اخذین ما اتاهم ربهم انهم كانوا قبل ذلک محسنین (ذاریات: ۱۵ و ۱۶). افراد با تقوا دو ویژگی دارند و زمینه تقوا در آن‌ها انجام حرکات مثبت و خیرات و مبرات است، كانوا قبل ذلک محسنین، اگر چنین زمینه عمل صالحی در انسان نباشد، موفق به تقوا نمی‌شود و مؤلفه دیگر، «آخذین ما اتاهم ربهم» است.

این افراد هرچه را خدا برای آن‌ها فرستاده و هر چه تکلیف کرده است، می‌گیرند و در مقام حرکت، فرمان‌برداری و اطاعت خدا هستند. از خداوند کریم می‌خواهیم که درک درست از این وظیفه بزرگ و توفیق عمل به آن را روزی ما بگرداند...

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

ببرس و بدان

حکم وسواس پاکی و آلودگی

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود را به‌شماره ۰۷۲۸۹۰۳۰۰ یا ما در میان بگذارید.

اگر شخصی وسواس در نجاست و پاکی داشته باشد، به‌طوری‌که برای هر موردی شک می‌کند که نجس یا پاک است و باید هر چیزی را طاهر کند تا ذهنش آرام بگیرد، اما درعین‌حال یقین به نجاست چیزی داشته باشد، چه تکلیفی دارد؟

آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای

۱. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیاست. یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برای شما حاصل شد، واجب است حکم به عدم نجاست کنید.

۲. کسانی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی درباره نجاست هستند (به این افراد در اصطلاح فقهی وسواسی گفته می‌شود) حتی اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند، باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس‌شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند، به‌طوری‌که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند، یقین به سرایت نجاست پیدا کند. فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم درباره افراد اشاره‌شده تا زمانی است که این حساسیت به‌طور کلی از بین برود.

۳. هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود، برای تطهیر آن یک بار شستن با آب لوله‌کشی بعد از زوال عین نجاست، کافی است. تکرار در شستن یا فروبردن آن در آب لازم نیست و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد، باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج شود.

۴. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است. از این رو آن را بر خود مشکل نکنید و با این کار باعث واردشدن ضرر و اذیت به جسم و روحتان نشوید. حالت دلهره و اضطراب در این موارد زندگی را بر شما تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب شما و کسانی که با شما ارتباط دارند، نیست. شکرگزار نعمت دین آسان باشید و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک‌وتعالی است.

۵. این حالت یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. افراد بسیاری بعد از ابتلا به آن، با روش یادشده از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را باهمت و اراده آرامش ببخشید.

آیت‌ا...العظمی سیستانی

فتوای واضح و صریح همه فقها بر اساس مدارک و ادله شرعیه این است که وظیفه شخص وسواسی اعتنانکردن به وسواس است و هر جا در طهارت چیزی دچار شک شود، باید بنا را بر پاک‌بودن آن چیز بگذارد، بلکه حتی اگر در موردی یقین به نجاست پیدا کرد که معمولاً برای سایر مردم در این موارد یقین به نجاست پیدا نمی‌شود، علم و یقین وسواس اعتبار ندارد و بر او واجب است که بنا را بر طهارت بگذارد. پس اگر شخص وسواسی به این فتوای شرعی عمل کند و در موارد شک در طهارت، بلکه در موارد یقین به نجاست هم بنا را بر پاکی بگذارد، نزد خدا معذور است اگرچه در واقع لباسی که در آن نماز خوانده یا غذایی که خورده نجس بوده باشد.

آیت‌ا...العظمی مکارم شیرازی

افراد وسواسی نباید به علم و یقین خود در طهارت و نجاست توجه کنند، بلکه باید ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می‌کنند و به همان ترتیب عمل کنند و برای ترک وسواس، بهترین راه بی‌اعتنایی است.



شهر
SHAHRANNEWS.IR
۲۳ شنبه
۱۳۹۸
۲۳ رجب ۱۴۴۰
شماره ۳۸۸۰

۱۴



بخوانید مرا، تا اجابت کنم شما را

شرحی بر چند فراز از مناجات شعبانیه

حمیده خلیل‌زاده| انسان در هستی همواره خود را تنها احساس کرده است. توسل و رجوع با خالق و معبود از راه‌های تسکین این حس گم‌گشتگی و تنهایی بوده است. امروز درباره نجوا و مناجات با خداوند متعال صحبت می‌کنیم. با توجه به اینکه کم‌کم به ماه شعبان نزدیک می‌شویم، ماه سراسر راز و نیاز با خداوند، از امیرمؤمنین^(ع) روایت شده است: محبوب‌ترین کارها به سوی خدا در همه روی زمین، دعاست. (کافی، ج ۲، ص ۴۶۷) یکی از عمیق‌ترین دعاهایی که در ماه شعبان توصیه شده است، مناجات شعبانیه است. خوب است این دعا را یک دور مرور کنید و بعد با تفکر و تعمق به معنای آن، این دعا را بخوانید. در ادامه چند فراز این دعای زیبا را به‌طور مشروح خواهیم آورد.

عبادت‌کنندگان

افراد در علت عبادت بر سه دسته‌اند: گروهی خدای عزوجل را از ترس عبادت می‌کنند و این عبادت بردگان است، مردمی که خدای تعالی را به طمع ثواب عبادت می‌کنند که این عبادت مزدوران است، دسته‌ای نیز خدای عزوجل را به‌خاطر حب به او و دوستی به حضرتش عبادت می‌کنند و این، عبادت آزادگان و برترین و بهترین عبادت است. خواجه عبدا... انصاری می‌گوید: «من چه دانستم که مزدور اوست که بهشت باقی او را حظ است و عارف اوست که در آرزوی یک لحظه است. من چه دانستم که مزدور در آرزوی حور و قصور است و عارف در بحر عیان، غرق نور است.»

(اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۳ و ۱۲۲)

دعا در قرآن

خداوند متعال که سرمنشأ صور عشق و محبت در عالم هستی است و برای همه عارفان و ره‌جویان حقیقت، منبع فیض بی‌نهایت است، در قرآن مجید می‌فرماید: «ای پیامبر^(ص) رحمت به مردم بگو که اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنا و نظری به شما نکند.»

(سوره فرقان، آیه ۷۷)

دعا وسیله جلب خداوند و زمینه‌ساز جذب رحمت الهی به‌سوی دعاکننده است. محبوب محبان، معشوق عاشقان، انیس ذاکران، هم‌نشین شاکران، یاور بندگان و تکیه‌گاه صاحب‌لان. در قرآن مجید می‌فرماید: هنگامی که بندگانم در رابطه با من از تو سؤال کنند، پاسخش این است که من یقیناً نزدیکم، دعای دعاکننده را چون مرا بخواند مستجاب می‌کنم.»

(سوره بقره، آیه ۱۸۶)

آغاز همه آغازها

مناجات شعبانیه با برترین جملات در جامعه شیعی و دعای مستجاب صلوات بر محمد و آل محمد^(ص) آغاز می‌شود، زیرا که کلید باب معارف والای الهی «صلوات» است و این صلوات وصل‌شدن به مخزن معارف الهی، یعنی پیامبر^(ص) و خاندان نبوت است. صلوات حلقه ارتباطی میان «بنده» و «مولا» و رمز ورود به وادی قرب الهی است.

وادی ولایت و پذیرش امامت پل عبور سالک و انسان در جست‌وجوی حقیقت به توحید و قرب خداوندی است، قرب و نزدیک‌شدن به خداوند نیز چیزی جز ایجاد مشابَهت با آن ذات پاک نیست که از مسیر شبیه‌ساختن خود با وجود مطهر ائمه اطهار^(ع) حاصل خواهد شد.

معبود من

پس از ورود به متن مناجات با گذر از درود بر محمد و آل محمد^(ص)، می‌فرماید: خدایا هنگامی که تو را می‌خوانم به خواندن من گوش بسیار و وقتی از دور تو را با همه آلودگی ندا می‌دهم، گوش بسیار و آنگاه که از نزدیک با تو نجوا می‌کنم و راز دل می‌گویم و... به من اقبال کن و به من روی گردان. شروع این رازونیز عاشقانه روی آوردن به خود خداست، نه درخواست حاجت و یا خواستی غیر از معبود داشتن که سعدی در شعر خود می‌گوید: «ما از تو به‌غیراز تو نداریم تمنا، که انسان مؤمن از خداوند، خود او را طلب می‌کند و این اوج تعالی ایمانی است. استعمال لفظ «نداء» نیز نشان از بلندی جایگاه و عظمت خداوند و جایگاه ضعیف انسان در برابر معبود دارد.

شیدایی

در فراز بیست این دعا می‌خوانیم: «معبود من! شیدایی و شیفتگی به ذکررت را الهام فرما! و همتم را در قرارگرفتن در مسیر اسم‌هایت و قرارگرفتن در جایگاه قدست قرار ده.» در قرآن کریم ذکر شده است: الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. آنان که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد، آگاه باشید که دل‌ها تنها به ذکر یاد خدا آرامش می‌یابد. (سوره‌عد، آیه ۲۸) قلب ناآرام انسان با ذکر خداوند آرام می‌شود و حتی می‌تواند تا مرز شیدایی و ازخودبی‌خودی پیش برود. این حالت خواست هر عارف و سالکی در ارتباط با خدای خود است.

سیطره الهی

در فراز بعدی می‌خوانیم: «و تومی‌دانی آنچه دردل من است و از نیازم آگاهی و ضمیرم را می‌شناسی و هیچ امری از امور دنیا و آخرتم بر تو پوشیده نیست...» این قسمت دعا وادامه آن به این نکات اشاره دارد که خداوند عالم به تمام اسرار بندگان آگاه‌است. تقدیر الهی و دراختیارداشتن سودوزیان در زندگی تمامی مردم نیز خواست خداوند باری تعالی است.

دعای حضرت امیر^(ع)

مناجات شعبانیه که برحسب روایات نقل شده است که همه ائمه اطهار^(ع) آن را می‌خواندند، در بعضی جوامع روایی ما و کتاب‌های ادعیه نقل شده است. مرحوم سیدبن طاووس در اقبال، (اقبال، چاپ‌سنگی، باب نهم ۰) مولی محمدباقر مجلسی در بحارالانوار، (بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۶) سماهیچی در الصحیفه العلویه (الصحیفه العلویه و التحفه المرتضویه، ص ۱۰۰) و شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان این مناجات را از حضرت امیر^(ع) نقل می‌کنند.

من تورا دوست دارم

بنده‌ای بتابد، او را از هر مشغله دیگری، فارغ می‌گرداند، هر یادی جز خدا، تاریکی است، آنکه خدا را دوست می‌دارد، به برکت این حب و دوستی، خالص‌ترین مردم و راست‌گوترین آن‌هاست و در عهد و پیمان از همه وفادارتر است.

(مصباح‌الشریعه، ص ۴۱۲)

خدای بنده‌اش است و می‌تواند حتی او را عذاب کند، اما عید حتی در صورت عذاب، معبود خویش را خواهد پرستید. در بیان «محبت الهی» و اینکه اگر محبت بر قلب انسانی سایه افکند، چه برکاتی نصیب او خواهد شد، مناسب است از روایاتی در این زمینه کمک بگیریم. امام صادق^(ع) می‌فرماید: هرگاه نور محبت خدا بر درون

مرا در آتش افکنی، من به همه دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم، در شرح عرفانی این مناجات به‌خاطر محتوای عمیق آن کمتر صحبت شده است. در این فراز حمد و ستایش بیش از حد و دائمی بازخواست فرمایی، من از تومی‌پرسم غفوت کشیده شده است. حتی یاد کردن صفات مهر و لطف خداوند در صورت مؤاخذه که او

در فراز دوازدهم می‌خوانیم: «معبود من! حمد و ستایش بی‌نهایت و دائم و همیشگی از آن توست که همواره در فزونی است و فنا نمی‌پذیرد، آن‌گونه که دوست‌داری و می‌پسندی، معبود من! اگر مرا به جرمم کجاست؟ و اگر مرا به گناهانم مؤاخذه فرمایی، از مغفرت تو خواهم پرسید. و اگر